

مصلحت در فقه سیاسی شیعه

سید سجاد ایزدهی

شناسنامه پژوهشی

- عنوان تحقیق: مصلحت در فقه سیاسی شیعه
- پژوهشگر: سید سجاد ایزدهی
- موضوع اصلی: مصلحت در فقه سیاسی شیعه
- موضوع فرعی: فقه و مصلحت
- مدت انجام تحقیق: ۳ سال



مصلحت در سیاست شیعه

سید سجاد دمی
ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
چاپ اول: ۱۳۹۳
شمارگان: ۱۰۰۰
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
طراح جلد: سیدایمان نوری نجمی
چاپ و صحافی: مجاب

سرشناسه: ایزدهی، سیدسجاد، ۱۳۴۹-.

عنوان و نام پدیدآور: مصلحت در فقه سیاسی شیعه/ سیدسجاد ایزدهی
مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۴۵۴ص.

شابک: ۹ - ۲۷۱ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: مصالح عمومی (فقه).

موضوع: مصلحت (اصول فقه).

موضوع: تساهل دینی (فقه).

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م/۳۸ الف/ ۱۶۱۷/۷ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۷۸۰۰۷

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۱۳
۱۷
۲۳ بخش اول: کلیات و تعاریف
۲۵ فصل اول: مفاهیم
۲۵ ۱. مصلحت
۲۶ ۱-۱. مصلحت در لغت
۲۸ ۲-۱. مصلحت در اصطلاح
۳۲ ۲. فقه سیاسی
۳۷ ۳. حکم حکومتی
۴۲ ۴. حکم ثانوی
۴۳ تفاوت حکم اولی و ثانوی
۴۵ فصل دوم: تاریخچه مصلحت
۴۷ ۱. شیخ مفید
۴۷ ۲. شیخ طوسی
۴۹ ۳. محقق و علامه حلی
۵۰ ۴. شهید اول
۵۱ ۵. صاحب جواهر
۵۴ ۶. امام خمینی

فصل سوم: ماهیت مصلحت در فقه سیاسی شیعه.....	۶۱
۱. مصلحت کلامی.....	۶۶
۲. مصلحت فقهی.....	۶۷
۱-۲. مصلحت و اندراج موضوعات در ذیل عناوین فقهی.....	۶۸
۲-۲. میزان تأثیر مصلحت در احکام فقهی.....	۷۱
۱-۲-۲. مصلحت و تغییر احکام.....	۷۱
۲-۲-۲. مصلحت و تبدیل حکم اولی به ثانوی.....	۷۲
۲-۲-۲. مصلحت و اولویت در باب تعارض.....	۷۴
۲-۲-۴. مصلحت و اولویت در باب تراحم.....	۷۵
۵-۲. مصلحت و احکام حکومتی.....	۷۶
فصل چهارم: مصلحت در فقه سیاسی.....	۷۹
۱. مصلحت در فقه سیاسی.....	۸۰
۱-۱. حفظ جان.....	۸۱
۱-۲. حفظ بدن.....	۸۱
۱-۳. حفظ عقل.....	۸۲
۱-۴. حفظ نسل.....	۸۳
۱-۵. حفظ مال.....	۸۳
۲. مصلحت در حوزه نظام سیاسی.....	۸۵
بخش دوم: مبانی مصلحت.....	۹۱
فصل اول: منابع مصلحت.....	۹۳
۱. درک مصالح و مفاسد احکام.....	۹۴
۱-۱. دلیل عقلی و عقلانی.....	۹۶
۱-۲. روایات.....	۹۶
۲. درک مصلحت در حکم حکومتی.....	۱۰۰
۲-۱. قرآن و سیره.....	۱۰۲
۱-۱-۲. سیره نبوی.....	۱۰۳

۱۰۸	۲-۱-۲. سیره علوی
۱۱۵	۲-۱-۳. سیره سایر اهل بیت
۱۱۹	۲-۲. بنای عقلا
۱۲۱	فصل دوم: منابع غیرمستقیم (مصادیق مصلحت در قواعد فقه سیاسی)
۱۲۳	۱. ضرورت و اضطرار
۱۳۰	۲. عسر و حرج
۱۳۲	ادله
۱۳۹	۳-۱. مفهوم
۱۳۹	۱. آیه
۱۴۰	۲-۱. روایت
۱۴۰	دلالته
۱۴۱	۲-۲-۳. عقا
۱۴۴	۴. تقیه
۱۴۵	۴-۱. مفهوم
۱۴۶	۴-۲. ادله
۱۴۷	۴-۳. گستره
۱۵۲	۵. اهم و مهم
۱۵۷	۵-۱. ادله
۱۶۲	۵-۲. موارد قاعده در فقه سیاسی
۱۶۳	۵-۳. اهم و مهم و حکم حکومتی
۱۶۴	فصل سوم
۱۷۱	۱. ضوابط عام مصلحت
۱۷۳	۱-۱. محوریت شریعت و غایات آن
۱۷۶	۱-۲. ترجیح اهم بر مهم
۱۷۹	۲. ضوابط خاص مصلحت (نظام سیاسی)

- ۱۷۹..... ۲-۱. زمان‌شناسی و مکان‌شناسی دقیق
- ۱۸۰..... ۲-۲. دوراندیشی و همه‌جانبه‌نگری
- ۱۸۱..... ۲-۳. غایت‌مداری
- ۱۸۲..... ۲-۴. تقدیم جامعه بر فرد
- ۱۸۳..... ۲-۵. ابتدا بر خبرویت و مشورت
- ۱۸۵..... بخش سوم: گونه‌شناسی مصلحت
- ۱۸۹..... فصل اول: انواع مصلحت
- ۱۸۹..... ۱. به اعتبار «اعتبار و عدم اعتبار»
- ۱۹۱..... ۲. به اعتبار درجه اعتبار
- ۱۹۲..... ۳. به اعتبار سعه و ضیق
- ۱۹۳..... ۴. به اعتبار احوال و آخرت
- ۱۹۳..... ۵. به اعتبار احکام واقعی و ظاهری
- ۱۹۵..... ۵-۱. مصلحت احکام واقعی
- ۱۹۶..... ۵-۲. مصلحت در احکام ظاهری
- ۱۹۷..... ۵-۲-۱. مصلحت جهل
- ۱۹۸..... ۵-۲-۲. مصلحت واقعی
- ۱۹۹..... ۵-۲-۳. مصلحت سببیت
- ۲۰۰..... ۵-۲-۴. مصلحت سلوکی
- ۲۰۳..... فصل دوم: مصلحت در فقه اهل سنت
- ۲۰۴..... ۱. مصلحت مرسله
- ۲۰۴..... ۱-۱. تعریف
- ۲۰۵..... ۱-۲. شروط مصالح مرسله
- ۲۰۹..... ۱-۳. ادله
- ۲۱۶..... ۱-۴. دلایل عدم اعتبار مصالح مرسله
- ۲۱۶..... ۱-۴-۱. رویکرد تاریخی
- ۲۲۲..... ۱-۴-۲. رویکرد اندیشه‌ای

- ۲۲۲ ۱-۴-۲-۱. عمل صحابه (عدالت صحابه)
- ۲۲۴ ۱-۴-۲-۲. عقل و مقاصد الشریعه
- ۲۲۵ ۱-۴-۲-۳. حکم حکومتی
- ۲۲۷ ۱-۴-۲-۴. اجماع
- ۲۲۸ ۱-۵. محدوده نفوذ مصالح مرسله
- ۲۲۹ ۱-۵-۱. سد ذرایع
- ۲۳۱ ۱-۵-۲. ادله
- ۲۳۴ ۱-۵-۳. استحسان
- ۲۳۹ **فصل سوم: جایگاه مصلحت در احکام**
- ۲۴۳ ۱. مصلحت در احکام وضعی
- ۲۴۴ مصلحت در احکام ظاهری
- ۲۴۵ ۲-۱. مصلحت در جعل
- ۲۴۶ ۲-۲. حفظ مصالح واقعی
- ۲۴۶ ۲-۳. مصلحت در تفسیر
- ۲۴۷ ۲-۴. مصلحت سرسری
- ۲۴۸ ۳. مصلحت در اوامر امتحانی
- ۲۴۹ ۴. مصالح واقعی در عرصه فقه سیاسی
- ۲۴۹ ۴-۱. مصلحت در جعل
- ۲۵۶ ۴-۲. مصلحت در اجرا
- ۲۵۹ ۴-۳. مصلحت در متعلق
- ۲۶۰ **بخش چهارم: فقه سیاسی و تشخیص مصلحت**
- ۲۶۱ **فصل اول: مرجع تشخیص مصلحت**
- ۲۶۶ تشخیص مصلحت بر اساس گونه‌های مصلحت
- ۲۶۷ ۱. مرجع تشخیص مصلحت در موضوعات
- ۲۷۱ ۲. مرجع تشخیص مصلحت در عرصه استنباط احکام
- ۲۷۳ ۲-۱. احکام تعبدی و غیر تعبدی

- ۲-۲. احکام اولیه و ثانویه..... ۲۷۴
- ۲-۳. احکام حکومتی..... ۲۷۸
۳. مرجع تشخیص مصلحت و گستره آن در عرصه اجرای احکام..... ۲۸۵
- ۳-۱. مرجع تشخیص مصلحت در نظریه ولایت حسبه..... ۲۸۶
- ۳-۱-۱. جواز تصرف در امور حسبه..... ۲۹۰
- ۳-۱-۱-۱. ولایت در حسبه..... ۲۹۲
- ۳-۱-۱-۲. ولایت در حد محدود..... ۲۹۴
- ۳-۱-۱-۳. ولایت در گستره کمتر از نظام سیاسی..... ۲۹۶
- ۳-۱-۱-۴. ولایت حسبه بر نظام سیاسی..... ۳۰۰
- ۳-۱-۲. مرجع تشخیص مصلحت در نظریه ولایت عامه فقیه..... ۳۰۵
- ۳-۱-۳. ادله..... ۳۰۶
- ۳-۲. نسبت اختیارات..... ۳۰۹
- ۳-۳. مرجع تشخیص مصلحت در نظریه ولایت مطلقه فقیه..... ۳۱۶
- ۳-۳-۱. تحدید کیفیت خصوصی..... ۳۲۰
- ۳-۳-۲. حکم حرامی..... ۳۲۰
- ۳-۳-۳. اختیار فقیه در عفو مجرم..... ۳۲۱
- ۳-۳-۴. کنترل موالید..... ۳۲۱
- ۳-۴. مرجع تشخیص مصلحت در نظریه ولایت عامه فقیه..... ۳۲۳
۳۲۵. فصل دوم: شیوه تشخیص مصلحت.....
۱. گستره موضوعات..... ۳۲۷
۲. عرصه استنباط احکام..... ۳۳۱
- ۲-۱. تشخیص مصلحت در متعلق احکام..... ۳۳۳
- ۲-۲. تشخیص مصلحت در احکام ثانویه و حکومتی..... ۳۳۸
۳. عرصه اجرای احکام و اداره امور جامعه..... ۳۴۰
- ۳-۱. مشورت..... ۳۴۱
- ۳-۲. الزام به مشورت و مفاد آن..... ۳۴۶

- ۳۴۷.....۳-۲-۱. حاکمان معصوم
- ۳۵۱.....۳-۲-۲. حاکمان غیر معصوم
- ۳۵۵.....بخش پنجم: مصلحت و نظام سیاسی
- ۳۶۳.....فصل اول: مصلحت تشخیص نظام سیاسی
- ۳۶۴.....۱. مصالح نظام‌های سیاسی
- ۳۶۵.....۱-۱. انتظام و امنیت
- ۳۶۹.....۱-۲. تأمین حقوق عمومی و رفاه اجتماعی
- ۳۷۱.....۲. مصالح نظام سیاسی اسلام
- ۳۷۷.....فصل دوم: مصلحت در عرصه سیاست داخلی
- ۳۸۲.....۱. مصلحت‌ورزی در سیاست داخلی
- ۳۸۳.....۱. امور سیاسی
- ۳۸۴.....۲. امور نظامی
- ۳۸۷.....۳. امور اقتصادی
- ۳۹۰.....۴. امور قضایی
- ۳۹۳.....۵. امور اجتماعی
- ۳۹۹.....فصل سوم: مصلحت در عرصه سیاست خارجی
- ۴۰۱.....۱. مصلحت در متعلق
- ۴۰۵.....۲. عرصه‌های مصلحت‌ورزی در سیاست خارجی
- ۴۰۵.....۲-۱. جهاد
- ۴۱۰.....۲-۲. قرارداد و پیمان
- ۴۱۰.....۲-۳. تقیه
- ۴۱۰.....۲-۴. مسائل مالی
- ۴۲۳.....۲-۵. مباحث حقوقی
- ۴۲۵.....کتابنامه
- ۴۴۳.....فهرست آیات
- ۴۴۵.....فهرست روایات

۴۴۷ نمایه اعلام

۴۵۱ نمایه موضوعی

www.ketab.ir

بیشگفتار

پیروزی اسلام در کشورهای اسلامی و استقرار نظامی بر اساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یک سو و دست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیکی‌های معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که نظام‌های اجتماعی اسلام، به‌عنوان دین هدایت‌فرد و اداره جامعه، در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، با منطقی مستدل و مستند ارائه گردد؛ و بیش‌ها، ارزش‌ها و مضمون‌های دین‌تدینان، آسیب‌شناسی و ساحت قدسی دین از پیرایه‌های موهوم و موهوب پیرایه‌گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سراسر مناسبت‌پیرامون کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و سنجش و اصلاح و تلاش شایسته و روزآمد را می‌طلبد و این امر، بدون تأسیس نهادی پژوهشی و آموزشی کارآمد، میسر نیست.

بدین منظور، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی است در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید.

این پژوهشگاه در قالب چهار پژوهشکده «حکمت و دین‌پژوهی»، «نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی»، «دانشنامه‌نگاری دینی» و مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده نظام‌های اسلامی - که مشتمل بر پنج گروه «اقتصاد»، «فقه و حقوق»، «سیاست»، «اخلاق» و «مدیریت اسلامی» است - به‌طور خاص، با مطالعه نظام‌های اجتماعی، اهداف زیر را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریت اسلام؛
 ۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظام‌های اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛
 ۳. تبیین فلسفی، فلسفه‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدل‌سازی متولیان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛
 ۴. تحقیق و ارائه راه‌حل‌ها و مسائل نوپدید، به‌انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوپدای فقهی؛
 ۵. پاسخ‌گویی به چالش‌ها و طرح در باب فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریت اسلام؛
 ۶. شناخت و نقد علمی تشبیه و استعاره‌های معارض.
- تحقیق حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند سیدسجاد ایزدهی در گروه «سیاست» پژوهشکده نظام‌های اسلامی است، به موضوع مصلحت در فقه سیاسی می‌پردازد.
- مصلحت به‌عنوان رویکردی فقهی، جهت‌دهنده به احکام شریعت، قدمتی به‌درازای تاریخ فقه دارد و به‌عنوان مهم‌ترین ارکان و مهم‌ترین معیارهای حاکم در ابعاد گوناگون حیات جامعه اسلامی، نقش اساسی را در شکل‌گیری و بنای فقه سیاسی در عرصه حکومت دارد. این تحقیق در صدد تبیین مبانی، مؤلفه‌ها و کارویژه‌های مصلحت، به‌عنوان یکی از پارادایم‌های فقه سیاسی و فقه حکومتی اسلامی است.

با توجه به حوزه فراگیر استفاده از مصلحت در ابواب مختلف فقه، به‌خصوص در حوزه حکومت و اداره جامعه و تفاوت آن با فرصت‌طلبی، ضرورت تبیین ماهیت و مؤلفه‌های آن، و نمایاندن مصالحی در مسائل عمده

فقه سیاسی، بر اساس فقه سیاسی شیعه، بیشتر خودنمایی کرده و نمایاندن کارآیی و کارآمدی فقه سیاسی شیعه و حکومت مبتنی بر آن، در سایه عنصر مصلحت، بر این ضرورت می‌افزاید.

براین اساس، هدف از این تحقیق، نمایاندن ماهیت، مؤلفه‌ها و کارویژه‌هایی است که مصلحت، به‌عنوان محور اساسی در حوزه فقه سیاسی ایفا کرده است تا در نهایت، به کارآیی و کارآمدی فقه سیاسی جامعه کمک نماید. نقش مصلحت در مسائل عمده فقه سیاسی، در حوزه حاکمیت سیاسی، روابط موجود و خام اسلامی و روابط بین‌الملل نیز از مباحث مهمی است که در این تحقیق، به آن پرداخته شده است.

با توجه به این صورت و رویکردی که در این تحقیق، مدّ نظر قرار گرفته و تحقیق بر مبنای آن انجام شده است، روشی اجتهادی و مبتنی بر منابع اصیل فقهی (عقلی و نقلی) است. البته، سعی بر آن شده است، از گفتمان غالب فقهاتی در استدلال‌های خویش بهره گرفته و ضمن اثبات مصلحت در این گفتمان، ویژگی‌ها و راهکارهای تحقیق، از اثبات برسد.

این تحقیق، در راستای اثبات این فرضیه شکل گرفته است که مصلحت، به‌عنوان یکی از پارادایم‌های فقه سیاسی، نقشی مؤثر و در حوزه‌های تشریح و اجرای احکام داشته و موجبات کارآیی و کارآمدی فقه سیاسی را فراهم آورده و اهداف غایی شارع را تأمین می‌نماید و در توضیح آن می‌توان اضافه کرد که در زندگی سیاسی جامعه اسلامی، مصلحت، سبب تسهیل رفتار و رفع مضلات و مشکلات و خروج از بن‌بست‌ها و انسدادهای فکری و عملی می‌گردد.

در قبال فرضیه‌ای که این تحقیق در صدد اثبات آن است، فرضیه‌ای بی‌اساس وجود دارد که مطابق آنها، برخی بر این باورند که مصلحت، نه تنها از ارزش و مؤلفه‌های فقه سیاسی نیست؛ بلکه ریشه در فقه سیاسی اهل سنت داشته و موجبات خروج از اصول شریعت را به همراه دارد و برخی دیگر بر این باورند که عمل به مقتضای مصلحت، موجب خروج از صدف شریعت شده، به سکولارشدن فقه می‌انجامد.

در پایان، لازم می‌دانیم از محقق گرامی، جناب حجت‌الاسلام سیدسجاد ایزدهی و ارزیابان محترم، آقایان محمد معتمدی قنّاد و ابوالحسن حسنی و اعضای محترم شورای علمی گروه سیاست که در به‌سامان‌رسیدن این تحقیق همکاری داشته‌اند، قدردانی و تشکر نماییم.

گروه سیاست

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

www.ketab.ir

مقدمه

فقه شریعت در سده‌های متمادی، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نیازهای مؤمنان به شریعت ابراهیمی داشته و با محور قراردادن افراد یا گروه‌های محدود، عملاً پاسخ‌گویی را از محدوده فقه فردی به حوزه پاسخ‌گویی به دیدگاه‌های کلان در سوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... نگذاشته بود، با پیروزی اسلام در ایران، به رهبری امام خمینی و حاکمیت نظامی مبتنی بر آموزه‌های شیعه و زعامت فقهی جامع‌الشرایط بر امور جامعه، با مواجه‌شدن با نیازها و پرسش‌های نوین در حوزه‌های مختلف جامعه و نظام سیاسی، عملاً از حوزه فقه فراتر گام نهاد و با عهده‌دارشدن مدیریت امور یک کشور عظیم و گسترده شیعی از مسائل، موضوعات، پرسش‌ها و نیازها را فرآوری خود دید.

ساختار نظام اسلامی اقتضا کرد بسیاری از مباحث فقه، از دست‌اندرگیری و انتزاعی صرف خارج و به صحنه اجتماع وارد شود و صبغه عملی و کاربردی یابد. این امر موجب شده است که استنباط مباحث فقه در عصر حاضر در حوزه فقه نظام سیاسی و اجتماعی، با استنباط همان مسائل در حوزه فقه فردی، متمایز گشته و فقاقت و اجتهاد در عصر حاضر، با پیچیدگی‌هایی همراه شود؛ زیرا فقیهان از یک‌سو می‌بایست آرا و دیدگاه‌های خویش را به ادله موجود در آموزه‌های شریعت مستند سازند و از سوی دیگر، پیچیدگی‌های جامعه موجب

شده است، عمل به ظاهر برخی از این احکام، میسور نباشد؛ بلکه کارآمدی و کارآیی فقه شیعه برای اداره کامل همه شئونات جامعه را با تردید و ابهام مواجه ساخته، به تعطیل برخی امور لازم منجر شده، جامعیت و دوام فقه شیعه تا روز قیامت را زیر سؤال ببرد؛ از این روی، فقیهان جامع‌نگر و دوراندیشی، مانند امام خمینی، در فرایند چالش میان آرمان (استناد همه امور زندگی و جامعه، به ظواهر شریعت) و واقعیت (عدم امکان این استناد، عدم کارآیی و کارآمدی فقه، اتهام به ناتوانی اداره صحیح امور جامعه)، بازخوانی آموزه‌های شریعت را با نظر قرار داده و مؤلفه‌ای مانند مصلحت که سابقه دیرپایی در فقه شیعه دارد، نقش ارمان و مکان در اجتهاد، شناخت صحیح موضوعات و پدیده‌های دین، اطلاع از سیاست‌های خُرد و کلان جهانی را در این راستا، مورد عنایت قرار دادند. تا در نهایت، به مدد این عناصر بتوانند بر کارآیی فقه در عرصه عمل و اجرا افزون و ارمان‌های شریعت را در جامعه تحقق بخشند.

در این میان، «مصلحت سیاسی» یک مفاهیمی است که در سالیان اخیر و مخصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در صحنه فقه شیعه نمود و ظهور بسیاری یافته است؛ زیرا عنصر مصلحت مقوله‌ای مفید و موثر است و در شریعت شیعه، احکام، تابع مصالح و مفاسد بوده است؛ اما با توجه به اینکه این عنصر در حوزه حکومت و نظام سیاسی، تأثیر ضاعف داشته و جزء جدایی‌ناپذیر با حوزه اداره امور کلان جامعه به حساب نمی‌آید؛ از این رو، ضرورت بحث و بازخوانی مؤلفه مصلحت، در پیامدهای انقلاب اسلامی ایران به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است و به دفعات، در گفتار و عبارات بسیاری از فقیهان معاصر، مانند امام خمینی استفاده شده است و مشخصاً بر خصوص ضرورت این مسئله در جامعه به وجود آمد، به تشکیل نهاد به نام «مجمع تشخیص مصلحت» انجامید و در صورتی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، قانونی را تصویب کرده و شورای نگهبان حکم به انطباق مفاد آن با شریعت نداده باشد، با وجود عدم تأیید شرعیت قانون مصوب نمایندگان مجلس توسط فقیهان شورای نگهبان و در سایه اصرار نمایندگان مجلس، به

مجمع تشخیص مصلحت ارجاع می‌شود و مصلحت‌اندیشی‌های این نهاد. به جهت اجرا، به‌عنوان قانون، مورد پذیرش قرار گرفته و به‌اجرا درمی‌آید.

امام خمینی در پیامی مهم به فقیهان شورای نگهبان، ضمن تأکید بر رعایت عنصر مصلحت در فرایند انطباق قوانین با شریعت؛ حلّ مباحث به صرف انطباق با ظواهر و تئوری‌های فقهی و مباحث طلبگی را نه‌تنها، راهگشا نداند؛ بلکه آن را منجر به بن‌بست رسیدن فرایند اداره جامعه می‌داند و شریعت اسلام را به عدم توانایی به‌جهت اداره نظام سیاسی، بلکه جهان، متهم می‌داند؛ آنچه می‌تواند این اتهام را رفع نموده و طریق بن‌بست را بگشاید این است که در فرایند انطباق قوانین با شریعت و استنباط‌های خویش، باید نقش امام و مکان را لحاظ کرد و از نظریه‌پردازی صرف و به دور از عنایت به رعایت بی‌خارجی خودداری ورزند:

تذکری پدر به حقایق عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت‌اندیشی را در نظر بگیرند؛ چراکه یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی، مسأله زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. حکمت و سعه عملی برخوردار با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند؛ و این بحث‌های طلبگی مدارس که در چارچوب تئوری‌هاست، قابل حل نیست که ما را به بن‌بست‌هایی می‌کشاند که منجر به تقابل با قانون اساسی می‌گردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد - و خدا آن روز را نیاورد - با عدم سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ‌وخیم‌های اجتماعی نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد.^۱

مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در برابر آن ممکن است، اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک بر سر سؤال برد.^۲

۱. امام خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۴۶۵.

آنچه بحث از مصلحت را در فقه شیعه مورد اهمیت قرار داده و همواره بحث از آن و دخالت عنصر مصلحت در عرصه اجتهاد و استنباط را به چالش کشیده، این است که از یک سو، مصلحت ریشه در آموزه‌های شریعت دارد و استفاده از آن در بازگشایی از گره‌های کور در حوزه سیاست و حاکمیت در برخی اوقات ضرورت می‌یابد. این امر در نظام ولایت، کارویژه‌ای خاص می‌یابد؛ زیرا حکومت اسلامی متضمن احکام ثابت و متغیر است و حاکم می‌بایست با اهتمام بر حفظ ثبات دین، در فرایند مصلحت نظام، مسئول مدیریت و حل بحران‌ها در نظام باشد. مصلحت در نظام اسلامی را عهده‌دار باشد؛ و از سوی دیگر، استفاده از این عنصر از سوی متفوت (تمایل به سنی‌گری در فقه شیعه و جدایی از دیانت و شریعت در صورت ضرورت عمل و رویکرد به عرفی‌شدن و سکولاریسم)، مورد مخالفت واقع شده است. در حالی که از یک سو، از جهت تاریخی (مستند به حوادث صدر اسلام، مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی - اجتماعی اهل سنت)، مصلحت و استصلاح، عنوانی که مرجع مستقل وضع احکام شرعی نزد اهل سنت مورد پذیرش قرار گرفته و این امر در فقه شیعه مردود شناخته شده است؛ و از این جهت، عنصر مصلحت در حوزه تفکر فقه شیعه مجاللی برای عرضه نداشته و فقیهان به جای استناد به عنصر مصلحت، از عناصری چون «اضطرار»، «تقیه»، «اهم و مهم» و... در حل بحران‌های احتمالی بهره می‌برند. از سوی دیگر، برخی از اندیشمندان، «مصلحت‌اندیشی» را در مقابل «حقیقت» در برابر «دیانت»، و به عنوان منبعی تازه احداث (بدعت) می‌دانند. این اقدام، اجتهاد دانسته؛ بلکه آن را معادل فرصت‌طلبی، سوءاستفاده‌گرایی و بهانه‌ای برای عدم اعتراض به وضع موجود و سکوت در برابر ظلم و ستم دانسته و از این رو، بر آن عنوان اصلی ناپسند، مخرب روحیه زنده جامعه و عامل عرفی‌شدن دین و سیاست انتقاد می‌کنند.

این دو رویکرد به موازات همدیگر در طول تاریخ موجب شده است که از ظرفیت‌های عنصر مصلحت - به عنوان مؤلفه‌ای که در آموزه‌های شیعه دارد - در فقه

استفاده نشود. گرچه در این میان، عدم وجود نظامی سیاسی برای شیعه و ضرورت استفاده از این عنصر در مباحث اداره حکومت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

چالش استفاده از مصلحت در فقه، رفته‌رفته آرا و نظریات را در دو گروه ترجیح‌دهندگان فقه بر مصلحت و برعکس، جای داده است این اختلاف، گونه‌های مختلفی از استنباط و اجتهاد را - به‌خصوص در حوزه فقه سیاسی - رقم زده و در موارد مختلفی از تصمیم‌گیری‌ها و اجرای احکام، در حوزه نظام سیاسی، و اداره کلان جامعه (اعم از سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها در حوزه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی) آثار متفاوتی از خود بروز داده است.

بر این اساس، در این تحقیق، علاوه بر شناخت چیستی و ماهیت مصلحت در فقه سیاسی، مناسبات و برادری آن، گونه‌های مصلحت و متعلق آن، حوزه‌های متعددی بررسی می‌شوند. عبارتند از: شیوه تشخیص مصلحت و راهکارهای شناخت آن، مرجع تشخیص مصلحت و حوزه‌های متعدد مصلحت در حوزه سیاست داخلی و خارجی کشور.

www.ketab.ir